عکس‌ها: محمدرضا حرآبادی

مدلینگ؛ بستری برای حضور دوباره قربانیان اسیدپاشی در جامعه

آنها به دوربین لبخند می‌زنند

ترانه بنی یعقوب
گزارش نویس

دختر به قاب دوربین نگاه می‌کند، لبخندی بر لب دارد. بعد نگاهی به لباس‌های صورتی رنگش می‌اندازد و خودش را در آیینه قدی ورانداز می‌کند. دستی به لباس‌ها و صورتش می‌کشد و حرف‌های دختر هندی با صورت سوخته توی گوشش می‌پیچد: « ما قربانی‌های اسیدپاشی در همه جای دنیا می‌توانیم به جامعه بازگردیم، ما نباید خود را از جامعه پنهان کنیم.» الهام این حرف‌ها را با خودش مرور می‌کند، حالا که مقابل دوربین ایستاده و تبلیغ یک لباس را می‌کند این حرف‌ها از ذهنش می‌گذرد. دوباره به چهره‌اش در آیینه نگاهی می‌اندازد و خیلی چیزها یادش می‌آید. اینکه دو سالی هست زندگی‌اش عوض شده. الهام سلطانی ۳۰ ساله دو سال پیش قربانی اسیدپاشی همسر سابقش شد. حرف‌های ریشما کورشی را در اخبار دیده و شنیده بود. دختر هندی که در سال ۲۰۱۴ در هفته مد نیویورک شرکت کرد اما هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد خودش روزی مدل شود و این حرف‌ها را به قربانیان اسیدپاشی در ایران بزند اینکه نباید از چیزی بترسند و باید شجاعانه بایستند و به قاب دوربین لبخند بزنند.

الهام سلطانی اتفاقات مختلفی را در سال‌های پس از اسیدپاشی‌اش تجربه کرده. از شرکت در جشنواره‌ها و گالری‌های مختلف گرفته تا شرکت در نشست‌ها و حالا هم مدلینگ: « این اتفاق‌ها در زندگی من کاملاً تازگی دارد. من تا قبل از این حادثه یک آدم عادی بودم. صبح‌ها به محل کارم می‌رفتم و بعدازظهر به خانه می‌آمدم و همراه فرزندم وقت می‌گذراندم یعنی زندگی‌ام کاملاً عادی بود. اما بعد از این اتفاق زندگی‌ام کاملاً عوض شد و برخلاف آن چیزی که خیلی‌ها تصورش را می‌کنند که اسیدپاشی موجب می‌شود آدم به انزوا برود و همه زندگی‌اش را از دست بدهد من کاملاً خلاف این جریان پیش رفتم. اجازه ندادم اسیدپاش به هدفش برسد. هدف اصلی یک اسیدپاش این است که تو را از زندگی عادی و حضور در اجتماع و موفقیت دور کند و باعث شود که خودت را از دست بدهی اما من این اجازه را به اسید پاشم ندادم.»

الهام هیچ‌وقت نمی‌تواند یک سال نخست بعد از اسیدپاشی‌اش را فراموش کند. بدترین زمان برای کسی که دچار این حادثه می‌شود. روزهایی که بیمارستان خانه اصلی قربانی اسیدپاشی است و آنها مجبورند عمل‌های مختلفی انجام دهند و مشکلات روحی و جسمی حتی لحظه‌ای دست از سرشان برنمی‌دارد. برخی ممکن است بینایی‌شان را از دست بدهند و آسیب‌های متعدد ممکن است غیر قابل بازگشت باشد.

الهام می‌گوید:« یکی از دوستان قربانی را می‌شناسم که حاضر نیست تصویر کارت ملی‌اش را عوض کند و حساب بانکی‌اش را بست چون حاضر نشد عکس جدیدی از چهره سوخته‌اش بگیرد. اگر ما به عنوان مدل در برابر چشم عموم قرار بگیریم و همه تصویر ما را ببینند با صورتی که نصفش باقی مانده و نیمی از آن بر اثر خشونت از بین رفته به همه گفته‌ایم که اجازه نداده‌ایم توانایی‌های ما از بین برود. من تا قبل از این اتفاق صورت زیبایی داشتم اما دلیلی ندارد الان چهره‌ام را بپوشانم و باور دارم وجود زیبا بالاتر از صورت زیبا است. ما هر چقدر بخواهیم خودمان را مخفی کنیم این جریان ناشناخته تر و مخفی‌تر می‌شود و مخفی کردن چنین خشونتی کم از خود خشونت ندارد. کسی که باید پنهان شود قربانی اسیدپاشی نیست آن که باید از جامعه طرد شود، قربانی اسیدپاشی نیست بلکه اسیدپاش است.»

لباس‌های مختلف را می‌پوشند و مقابل دوربین عکاسی حاضر می‌شوند تا لباس‌ها را این بار تماشاگران بر تن آنها ببینند و بپسندند. معصومه عطایی لباس عروسی برتن کرده. لباسی سفید رنگ با گلدوزی‌های رنگارنگ بر رویش. کلاه زیبایی هم بر سر گذاشته. او سال‌ها پیش قربانی اسیدپاشی پدرشوهرش شد.

« قبلاً بارها خبرهای این اتفاق یعنی مدل شدن قربانیان اسیدپاشی را در کشورهای دیگر خوانده بودم. اما در ایران این اتفاق نیفتاده بود. یک روز ما در انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی بودیم که صاحب یک برند و طراح لباس است در این باره یعنی مدل شدن با ما صحبت کرد. ایده این خانم برای من خوشایند بود و من به عنوان اولین زن قربانی اسیدپاشی که نابینا هم هست، کار با او را شروع کردم. شش، هفت ماه طول کشید. در افکار عمومی انگار جا افتاده که یک مدل یا بازیگر که قرار است دیده شود حتماً باید چهره زیبا، خاص و جذابی داشته باشد اما این کار ارائه جدیدی از مفهوم زیبایی است. برای من این کار واقعاً جذاب بود اینکه زیبایی می‌تواند تعریف‌های دیگری هم داشته باشد. من این طوری می‌توانم خودم را دوست داشته باشم. لباس‌هایی که پوشیدم بیشتر طراحی سنتی داشتند و لمس‌شان برایم جذاب بود. از بین لباس‌هایی که پوشیدم لباس عروسی برایم خیلی حس خوشایندی داشت و از همه عکس‌ها بیشتر دوستش داشتم.»

> دخترها دوباره به قاب دوربین لبخند می‌زنند. این بار از ته دل می‌خندند و حالا که دوباره به جامعه برگشته‌اند به همه می‌گویند دلیلی برای پنهان شدن ندارند؛ در هر جای دنیا هر کس تحت خشونت قرار گرفته می‌تواند دوباره دنیایی نو بسازد. شاید دنیایی عاری از خشونت

شبنم و الهام عکس‌های مشترکی با هم دارند. شبنم عطاپور سال ۹۳ قربانی اسیدپاشی توسط همسر سابقش شد که اعتیاد داشت. همان سال‌ها که اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای در اصفهان اتفاق افتاد. « این اتفاق علیرغم همه تلخی‌هایش موجب شد من به چیزهای جدیدی در زندگی‌ام فکر کنم. این حادثه می‌تواند برای هر کسی بیفتد. کسی ممکن است تصادف کند یا هر اتفاق تلخ دیگری می‌تواند زیبایی صورت را از او بگیرد. سال اول بیرون آمدن از خانه برایم سخت بود اما از سال دوم بیرون آمدم، سر کار رفتم و به جامعه برگشتم.»

شبنم این روزها کوهنوردی حرفه‌ای می‌کند و طراح کیک‌های تزئینی است و خودش را همین جوری که هست پذیرفته:« من قوی‌ام وقوی خواهم ماند. اسیدپاشی نمی‌تواند من را از پا در بیاورد. مدل شدن هم خیلی مرا خوشحال کرد اینکه نقشی در جامعه دارم و می‌توانم برای کسانی که این اتفاق برایشان افتاده حس خوبی درست کنم و اعتماد به نفس را دوباره به آنها برگردانم. آنها بدانند که این همه جراحی پلاستیک لازم نیست و ما با همین چهره‌ها هم می‌توانیم در جامعه حاضر شویم. ما همه باید قوی باشیم تا به همه ثابت کنیم که کسی نمی‌تواند با خشونت ما را از جامعه دور کند.»

نیوشا عدالت، طراح لباس که با شبنم و الهام کار کرده می‌گوید: « ایده این کار از زمانی به ذهنم رسید که برندهای معروف دنیا را می‌دیدم و متوجه شدم این طور نیست که این روزها مدل‌ها همه آدم‌های خاصی باشند. خیلی از مدل‌ها از آدم‌های عادی جامعه هستند و چهره عادی دارند. یعنی مدلینگ مفهوم قدیمی‌اش را از دست داده. من تصمیم گرفتم به جای استفاده از مدل‌هایی با کلی آرایش و عمل‌های زیبایی از آدم‌هایی استفاده کنم که به خاطر موقعیت‌شان خیلی اذیت می‌شوند. من به قربانیان اسیدپاشی فکر کردم و با انجمن‌شان تماس گرفتم و توانستم با بچه‌ها کار کنم. دوستان در انجمن خیلی از این پیشنهاد استقبال کردند. من مزون خیلی بزرگی ندارم اما واقعاً دوست داشتم با بچه‌ها کار کنم. این بچه‌ها دائم زیر ذره بین جامعه هستند. مردم در کوچه و خیابان دائم نگاهشان می‌کنند. مدام درباره حادثه از آنها سؤال می‌پرسند، فکر کردم با این کار تا حد زیادی چهره‌شان برایشان عادی می‌شود و حس توانمندی دوباره پیدا می‌کنند.»

دخترها دوباره به قاب دوربین لبخند می‌زنند. این بار از ته دل می‌خندند و حالا که دوباره به جامعه برگشته‌اند به همه می‌گویند دلیلی برای پنهان شدن ندارند؛ در هر جای دنیا هر کس تحت خشونت قرار گرفته می‌تواند دوباره دنیایی نو بسازد. شاید دنیایی عاری از خشونت.

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۳۹۶

آسان

۴							۹	
۷		۶		۴	۹	۲		
				۵	۶			۱
۵		۱			۲	۶	۳	
	۳	۹	۶		۴	۸	۷	
	۸	۴	۵			۹		۲
۹			۲	۷				
		۷	۱	۶		۳		۹
	۶							۷

متوسط

				۶		۲		
					۵		۳	
۵			۴		۷	۶	۸	
	۶	۳		۱				
	۱		۵		۸		۷	
				۳		۴	۲	
	۷	۶	۳		۱			۵
	۴		۸					
		۸		۵				

سخت

					۳	۴		۱
				۷		۲		
	۶	۴		۵				۳
	۲	۵		۱	۷			
۷								۶
			۲	۸		۵	۹	
۵				۹		۷	۱	
		۷		۲				
۳		۲	۷					

خیلی سخت

				۶			۳	
	۳				۷			۵
	۶	۹	۴		۳			
۵			۱					۲
		۷				۹		
۸					۴			۳
			۷		۹	۴	۵	
۹			۳				۱	
	۵			۴				

حل جدول سودوکو شماره ۳۳۹۶

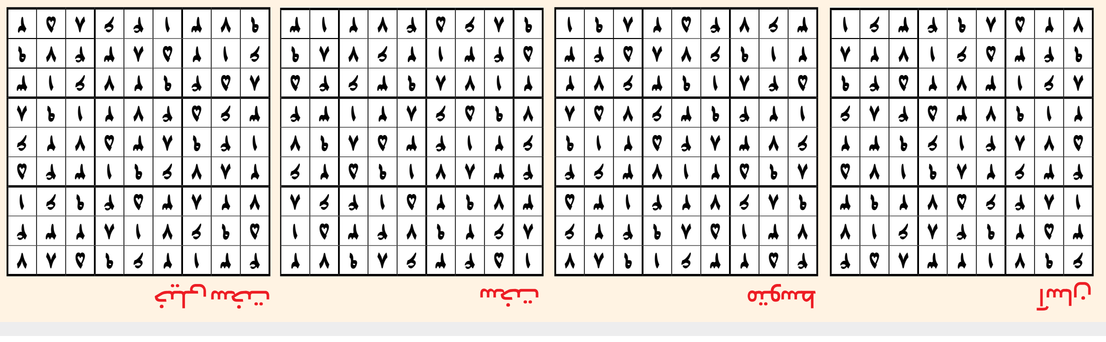

یک جـدول با دو شـرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۳۶۲

جدول عـادی

افقی:
۱-سردنیست!-گلزن‌تیم«پارس جنوبی جم»
۲-ولی-نانی شبیه به فتیر-صورتک
۳-بین پیچ ومهره-دربندومسئول-فرزندنبیره
۴-موجب‌تسکین قلب-اشاره بعید-بندچرمی
۵-حرف‌خطاب-دندانساز-کندن میوه‌ازدرخت-بوی کهنگی
۶-شهری تاریخی در«فرانسه»-افسار-شهری در جنوب استان«فارس»
۷-گاومیش‌تبتی-سلسله خانوادگی-امربه زدودن
۸-روییدن-موی گردن اسب-قیدوبندها
۹-جمع رأس-لیگ اسپانیا-ارسباران امروزی
۱۰-تصویر-اندک اندک-کشوری در«آفریقا»
۱۱-آبادی-شعله آتش-جایگزین کبریت-قلم فرنگی
۱۲-شهرتاریخی/توریستی«ایتالیا»-شب روستایی-ضرب‌شمشیر
۱۳-ریزه فلز-ناچار-پیکار
۱۴-موش خرما-ماشین بارکشی-به کفش بعضی‌ها دیده‌می‌شود
۱۵-بنای تاریخی استان خراسان رضوی در شهر «تربت‌جام»-بسیاری

عمودی:
۱-پرورش حیوان مفید-مقدمه باران
۲-فالگیری-تخت‌واورنگ-خرناس
۳-یارمیشا!-خودرویی گران‌ولوکس-فراخ
۴-طبق تشریفات-تپانچه-غصه
۵-غذای مریض-آرمیدن-پالایشگاه دقیق بدن
۶-حرف۲۸ ام-گهواره پارچه‌ای-بدگو-مخفف که او
۷-مرض زردی-بنیانگذارونخستین شاه حکومت ماد-حیوان‌مرده
۸-شهری دراستان«اردبیل»-مالامال-فراگیرنده وحاوی
۹-اولین قوم ایرانی-اصطلاحی در فیزیک-هرنوع ترس‌مرضی
۱۰-دخترک کارتونی-به‌حساب‌رسنده-ابزاربرش چرم-نوشیدنی‌لبنی
۱۱-ازاعدادترتیبی-ستاره جوان«استقلال»-جنس‌پرزور!
۱۲-ساک بزرگ مسافرتی-طرزپوشاک-جامه‌نازک
۱۳-ترسناک-گردش‌های فلک-کج ومایل
۱۴-سهم مالیاتی-نبیره و فرزندزاده-عروس شهرهای اروپا
۱۵-به‌تنهایی تاختن-شغل‌شوفر

جدول ویــژه

افقی:
۱-منع کردن-مرد شماره یک تنیس دنیا
۲-تلفظ«و»-مخترع اولین لامپ رشته‌ای-ستاره
۳-بوی خوش-مخلوقات-روستایی در شهرستان «شهرضا»
۴-نصرت-نام‌زنانه فرنگی-سکون
۵-موجودنامرئی-تنگ چشم-هنگام-بزرگمرد
۶-تدبیر-ادویه مخلوط-کنارگذاشتن‌عملی
۷-شهری در استان «مازندران»- واحد پول «مجارستان»-هرگز
۸-شامی-مقابل فاز-غذایی لذید
۹-مرکز«بنگلادش»-عنصرفلزی نرم ونقره‌ای رنگ-مدرسه‌خردسالان
۱۰-آزاد-شرکت رایانه چینی-ماه سریانی
۱۱-اسب آذری-مهتروپیشوا-ازمیوه‌ها-حرف تمسخر
۱۲-حسابرس- قلم انگلیسی- بازیکن سابق «آث‌میلان»وتیم ملی پرتغال
۱۳-آبگیر-مقتدا،سرمشق-شعله
۱۴-سیاهرگ-علم گیاه‌شناسی-سطح‌وظاهرساختمان
۱۵-فیلم«کمال تبریزی»-روغن

عمودی:
۱-آتشکده و قلعه‌ای باستانی در۱۵ کیلومتری غرب «ملایر»درمنطقه‌ای بانام«شورکات»-انبساطقلب
۲-وزیرفرعون-نمایندگی-بلی
۳-نوعی اسباب‌بازی-ماشین حساب‌قدیم-علت،برهان
۴-همراه کره درصبحانه-نت منفی-چیزاضافی و بی‌مصرف
۵-نشان‌مفعول-مورن-آب لایه
۶-نمازسروقت خود-ناگهان خودمانی-بنیانگذارو رهبرحزب کمونیست-به‌همراه
۷-مسابقه‌حساس‌پایانی-فلزی کمیاب-جزء مولکول
۸-ضد دشوار-شهری در«ژاپن»-کوچک‌ترین جزء معنایی درزبان فیلم
۹-روزعرب-اثر«نیما»-مضیقه
۱۰-هرگزنه-فروبردن لقمه-ازبانک می گیرند-درویشی
۱۱-ممنونم-گیاهی گلدار-گربه‌انگلیسی
۱۲-تهمت-پاسخ معما-نوعی قارچ خوراکی
۱۳-برقرار-زمان‌سنج-قله‌ای درجنوب«تبریز»
۱۴-عقاید-نازوغمزه-گوهریکتاوبی مانند
۱۵-شهری در«قبرس»-سرلشکربحری

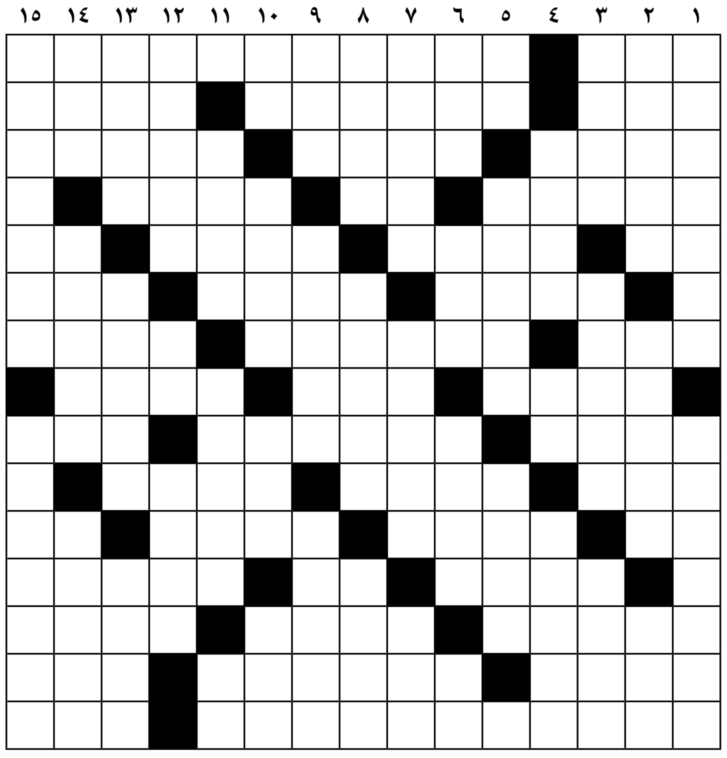

حل جدول عادی شماره ۷۳۶۱

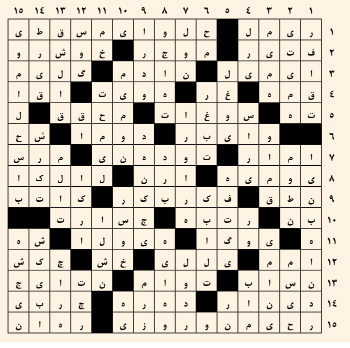

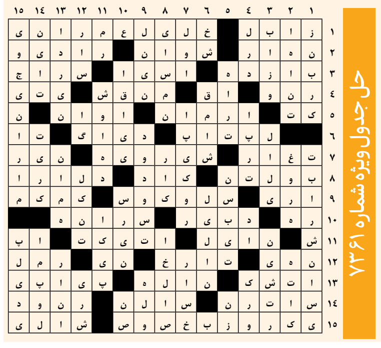حل جدول ویژه شماره ۷۳۶۱